نگاه

بایگانی به مثابه حافظه ملی

نادعلی صادقیان

بخش اول

همان‌گونه که اشخاص در اتخاذ تصمیمات و اقدامات خود از حافظه استمداد نموده و تجربیات، آموخته‌ها و مشهودات گذشته را، ملاک عملیات آینده قرار می‌دهند و از این راه با خودداری از تکرار اشتباهات گذشته و به‌کارگیری پندهایی که از شکست‌های خود گرفته‌اند، راه آینده را هموار می‌نمایند، مرکز بایگانی راکد نیز چنین است، با این تفاوت که حافظه اشخاص، مغز آنها است و حافظه موسسات و سیاستگزاران، مرکز بایگانی راکد است.[1] استادان حقوق اداری و آرشیو، معتقدند که بایگانی از دو لحاظ دارای اهمیت است: ۱- **اهمیت اداری**: این نوع اهمیت زودگذر است و تنها خدمات‌رسانی و سرویس‌دهی آن، برای موسسات تولیدکننده و اشخاص ذی‌نفع است. محل این‌گونه بایگانی‌ها، در خود سازمان‌ها است. ۲- **اهمیت تاریخی**: برخی از سوابق و اسناد، پس از پایان کار و استفاده‌شدن در دستگاه ذی‌ربط، همچنان دارای اهمیت و ارزش و دارای عمری ابدی هستند و باید همیشه حفظ و نگهداری شوند. از اینجا است که اهمیت تاریخی بایگانی روشن می‌شود. این بایگانی‌ها، اغلب وابسته به آرشیو ملی هستند و ضمن حفظ و نگهداری سوابق و بازیابی اطلاعات، اقدامات پیش‌آرشیوی نیز انجام می‌دهند. بر این اساس، با تمرکز اسناد راکد مربوط به هم در یک جا و دسترسی سریع و آسان به آنها، اهمیت بایگانی بیشتر نمایان می‌شود. این نوع بایگانی، تنها در آرشیو یا مراکز اسناد راکد متمرکز است. اطلاعات جامع و قابل توجهی که بایگانی‌های راکد در کشورها ارائه می‌دهند، قابل مقایسه با هیچ‌یک از منابع و مآخذ موجود نیست. بایگانی راکد از هویت تاریخی و میراث فرهنگی کشورها حکایت می‌کند و مرکز بایگانی راکد در بسیاری از کشورها همانند آرشیو ملی، جدا از سایر سازمان‌های دولتی است.

■ **پیشینه بایگانی در ایران**

بررسی‌های به عمل آمده در کاوش‌ها و تحقیقات، نشان می‌دهد که رسم نگهداری و حفاظت منظم مکاتبات سیاسی، معاهدات و قراردادها و مدارک در ایران، از دیرباز رایج بوده است. در دوران هخامنشیان هسته مرکزی و زیربنای تشکیلات اداری امپراتوری را، بایگانی سلطنتی تشکیل می‌داد. آنها مکاتبات خود را غالباً بر روی چرم و پاپیروس انجام می‌دادند که به سبب آسیب‌پذیری این مواد، هم‌اکنون بیشتر آنها از میان رفته است. پس از تسلط یونانیان بر ایران، اسکندر با بهره‌گیری از شیوه‌ها و بنیادهای بایگانی ایرانیان، سازمان بایگانی سلطنتی ایران را توسعه داد. شیوه نگهداری اسناد در ایران، بعدها چنان گسترش یافت که معمول دیگر کشورها نیز گردید. در دوره صفویه رونوشت تمام ارقام مربوط به امور مالی، احکام، نشانه‌ها، نامه‌ها و اسناد، در دفاتر مخصوص ثبت می‌شد. محل نگهداری این دفتر، «انبار دفترخانه دیوان اعلا» نام داشت. در دوره قاجار اسناد، مکاتبات و رونوشت فرمان‌ها در دربار نگهداری می‌شد و بایگانی، جزء اداره بیوتات به شمار می‌رفت. در سال ۱۲۷۸ ش. وزارت امور خارجه به پیروی از روش بایگانی کشورهای اروپایی، بایگانی خود را مرتب کرد و طی سال‌های ۱۲۸۰ تا ۱۳۰۹ ش. اقداماتی برای به کار بردن روش نوین بایگانی انجام گرفت که سرانجام در اردیبهشت‌ماه ۱۳۰۹ ش. تاسیس مرکزی برای حفظ اسناد دولتی، به تصویب هیات‌دولت رسید.[2] در مهرماه ۱۳۳۴ ش. دولت تصمیم گرفت اداره‌ای به نام «بایگانی کل کشور» تشکیل دهد. برای اجرای این طرح و تهیه مقدمات آن، کمیسیونی در دفتر مصطفی سمیعی معاون دائمی وزارت امور خارجه و با حضور دکتر نصر وزیر کار و مدیران کل کلیه وزارتخانه‌ها تشکیل شد و در این زمینه مذاکراتی به عمل آمد و برای تهیه گزارش و اخذ تصمیم نهایی، قرار شد این کمیسیون مجدداً جلساتی تشکیل دهد.[3] سرانجام در هفدهم آذرماه ۱۳۳۸ ش. لایحه تشکیل بایگانی کل کشور به تصویب شورای معاونان رسید.[4] چنین پیش‌بینی گردیده بود که این اداره، زیر نظر مستقیم نخست‌وزیری تشکیل شود تا بتواند با وابستگی به آن نهاد مقتدر، مشکلات انتقال پرونده‌های راکد دستگاه‌ها را به راحتی انجام دهد و اختیارات وسیعی در مورد تجهیزات، تنظیم، بررسی و نگهداری پرونده‌ها و سوابق داشته باشد. این اداره دارای دو بخش بود که یک قسمت مربوط به حفظ و جمع‌آوری سوابق تاریخی و اسناد محرمانه و دیگری مربوط به مشخصات کارکنان دولت بود و طرح ساختمان اداره مزبور- که از طرف وزارت آبادانی و مسکن تهیه و برای تصویب به شورای عالی اداری ارسال شده بود- در اراضی کن پیش‌بینی گردیده بود و قرار بود از ابتدای سال ۱۳۴۴، احداث ساختمان بایگانی کل آغاز شود. سرانجام، با توجه به افزایش حجم انبوه پرونده‌های راکد وزارتخانه‌ها ـ که مشکلات فراوانی را در امر نگهداری سوابق در ادارات بایگانی به وجود آورده بود ـ با تصویب هیات وزیران در دی‌ماه ۱۳۸۴ مقرر گردید، برای تمرکز پرونده‌های راکد وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی، مرکز بایگانی راکد وابسته به نخست‌وزیری در تهران و سپس در شهرستان‌ها دایر شود. این مقررات، در هیات دولت در پنج ماده و یک تبصره تصویب شد و برای اجرا به وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی و وابسته به دولت ابلاغ گردید و این، نخستین و موثرترین گام در راه تمرکز، جمع‌آوری، حفظ و نگهداری اسناد و پرونده‌های باارزش بود.[5]

پی نوشت‌ها:

۱- بوشهری، دکتر جعفر: مدیریت اسناد و فن بایگانی، چاپخانه افست، چاپ چهارم، تهران ۱۳۴۷، ص ۱۴۶.
۲- آشنایی با سازمان اسناد ملی ایران، فصلنامه گنجینه اسناد، سال پنجم، بهار و تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۰ و نیز بنگرید به: قانون مصوب ۱۳۴۹ سازمان اسناد ملی ایران و مقررات بعدی آن.
۳- روزنامه کیهان، بیست و چهارم مهرماه سال ۱۳۳۴.
۴- همان، هفدهم آذرماه سال ۱۳۳۸.
۵- همان، هشتم دی‌ماه ۱۳۴۳، برای آگاهی بیشتر بنگرید به: ۱- تصویب‌نامه شماره ۴۰۱۹۲ هیات وزیران، مورخ ۱۳۴۳/۱۰/۱، ۲- مصاحبه دکتر سیروس پرهام: روزنامه اطلاعات، چهاردهم بهمن‌ماه ۱۳۴۹.

• شکنجه، مینیاتور قرن یازدهم ایرانی

دولت اموی: حکومت کردن با شمشیر

دکتر محمد عابدالجابری
ترجمه: دکتر سیدهاشم آقاجری*

نویسنده این متن از اهل سنت است و در همین چارچوب نظریه خود را ارائه کرده است. بدیهی است که محتوای مقاله با اندیشه شیعی مورد اعتقاد ما تفاوت دارد اما برای شناخت نگاه اهل سنت به کار می‌آید. کتاب حاضر در دست انتشار است و به زودی منتشر می‌شود.

■■■

■ **ایدئولوژی سلطانی و اخلاق اسلامی**

شکاف‌های قانونی‌ای که در اواخر دوره عثمان پدیدار شد و شکاف‌هایی که در پس پشت «تبدیل خلافت به سلطنت» وجود داشت تنها درس‌های سیاسی‌ای که می‌توان از تجربه تاریخی امت اسلامی و عرب گرفت نیست (به بحث گذشته بنگرید). در اینجا ابعاد دیگری وجود دارد که ناگزیر از بیان آن هستیم. یکی از ابعاد ویژه این تجربه تاریخی، روش و شیوه‌ای است که حاکمان جهان اسلام از آغاز حکومت معاویه، نخستین «ملک» در اسلام، برای صورت شرعی بخشیدن به حکومت‌شان پیش گرفتند.

معاویه به خوبی می‌دانست که حکومت را با شمشیر غصب کرده است و در نتیجه فاقد مشروعیتی است که از زمان ابوبکر، مبنای مشروعیت حکومت در اسلام، یعنی شورا بود. پس برای مشروعیت بخشیدن به حکومت خود، از یک سو در نظر به «قضا و قدر» متوسل شد و از سوی دیگر در عمل کوشید تا با سهیم کردن مردم در ثمرات حکومت به ویژه ثمرات مادی آن، به جلب رضایت آنها بپردازد.

از این رو، از یک جهت در خطبه‌ها و سخنرانی‌های مکرر خود می‌گفت که جنگ میان وی و علی بن ابی طالب و پیروزی‌اش بر علی و خارج کردن حکومت از دست او، «قضا و قدر» بوده و در نتیجه این خداوند بوده است که براساس علم قدیم خود مقدر کرده که امویان حکومت را دردست گیرند زیرا آنان شایستگی آن را دارند و از همه مردم به امور حکومت آگاه‌تر و خبره‌تر هستند. عمال و کارگزاران او نیز این اندیشه را تکرار می‌کردند، از جمله زیادبن ابیه است که در خطبه معروف «بتراء» گفته است: «ایها الناس انا اصبحنا لکم ساسه و عنکم ذاده نسوسکم بسلطان الله الذی اعطانا و نذود عنکم بفیء الله الذی خولنا.» (ای مردم! ما رهبران شما شده‌ایم و حامیان‌تان، به سلطه و قدرتی که خدایمان داده است راهتان می‌بریم و به کمک غنیمتی که خدای به ما سپرده از شما حمایت می‌کنیم...) و معاویه در برابر مخالفان ولایتعهدی فرزندش یزید خطبه خواند و از جمله گفت: «امر حکومت یزید قضای الهی است و مردم در حکومت‌شان هیچ اختیاری ندارند.» از جهتی دیگر، معاویه سیاستی در پیش گرفت و کوشید تا مردم را به این نظر برسانند که به مسئله حکومت، به دیده یک «امر واقع سیاسی» بنگرند و خود را تسلیم این امر واقع کنند. او پس از انجام بیعت با خود در «سال جماعت و وحدت» (عام الجماعه)، در مدینه سخنرانی کرد و گفت: «اما بعد، من حکومت بر شما را به دست گرفتم نه به خاطر اینکه می‌دانستم مرا دوست دارید و از حکومت من خوشحال می‌شوید بلکه با این شمشیرم با شما جنگی سخت کردم و بر شما حکومت یافتم.»، سپس گفت که می‌خواست به سیره ابوبکر یا عمر یا عثمان عمل کند اما نشد و نتوانست چنان کند. آنگاه افزود: «پس در حکومت راه و روشی پیش گرفتم که سود و منفعت من و شما در آن است: خوب‌خوری و خوش‌نوشی. پس اگر خودم بهترین شما نیستم اما حکومتم برای شما نیکوست.» و «خلفا»ی اموی پس از او به همین روش عمل کردند، بر عقیده به جبر به عنوان ایدئولوژی و بر بخشش و دهش به مثابه عملکرد سیاسی تکیه کردند. این سیاست و آن ایدئولوژی مبنای مشروعیتی بود که امویان حکومت‌شان را بر آن استوار ساختند.

هنگامی که انقلاب عباسی پیروز شد و دولت عباسیان تاسیس شد امکان نداشت که شخصیت‌ها و رجال عباسی بر ایدئولوژی جبرگرایانه اموی تکیه کنند زیرا که در صفوف آنان، رهبرانی وجود داشت که در جنگ با امویان شعارهای ایدئولوژیکی متضادی را مطرح کرده بودند و از جمله اولین این شعارها، شعار «قدر» بود، یعنی اعتقاد به اختیار و آزادی انسان و در نتیجه مسئولیت آدمی در قبال اعمالش، بدین سبب برای مشروعیت بخشیدن به حکومت‌شان، نه همچون امویان به قضا و قدر بلکه به «اراده و مشیت الهی» متوسل شدند و گفتند که این خداوند بوده است که خواسته تا آنان حکومت کنند و آنان به اراده و مشیت الهی به حکومت و عمل می‌پردازند.

ابوجعفر منصور بنیانگذار واقعی دولت عباسی خطبه خواند و در ضمن سخنرانی‌اش گفت: «ای مردم، همانا من سلطان خداوند در زمین او هستم. با توفیق و تائید او شما را سیاست و رهبری می‌کنم. نگهبان مال او هستم و با اراده و مشیت او در آن تصرف می‌کنم و با اذن او آن را می‌بخشم...» بدین ترتیب «خلیفه»‌ای که در زمان خلفای راشدین خلیفه پیامبر (ابوبکر) بود یا خلیفه خلیفه (عمر) و یا خلیفه خلیفه خلیفه (عثمان) در زمان عباسیان «خلیفه الله» و «سلطانه فی ارضه» گردید و این اساس مشروعیت حکومت‌شان شد. این مبنای مشروعیت که از اسلام بسیار دور و بیگانه بود با ترجمه مقولات ایدئولوژی سلطانی ایرانی و غیرایرانی توسط ابن مقفع و دیگر نویسندگان و کاتبان (کتاب السلاطین) به عربی تثبیت و تحکیم شد، ایدئولوژی‌ای که بر پایه همانندی حاکم طاغی مستبد و خداوند... و در برخی دوره‌ها اینهمانی و یکسانی این دو و خدا دانستن حاکم استوار بود.

نکته

هنگامی که انقلاب عباسی پیروز شد و دولت عباسیان تاسیس شد امکان نداشت که شخصیت‌ها و رجال عباسی بر ایدئولوژی جبرگرایانه اموی تکیه کنند زیرا که
در صفوف آنان، رهبرانی وجود داشت که در جنگ با امویان شعارهای ایدئولوژیکی متضادی را مطرح کرده بودند
و از جمله اولین این شعارها، شعار «قدر» بود، یعنی اعتقاد به اختیار و آزادی انسان و در نتیجه مسئولیت آدمی در قبال اعمالش، بدین سبب برای مشروعیت بخشیدن به حکومت‌شان،
نه همچون امویان به قضا و قدر بلکه به «اراده و مشیت الهی» متوسل شدند و گفتند که این خداوند بوده است که خواسته تا آنان حکومت کنند و آنان به اراده و مشیت الهی به حکومت و عمل می‌پردازند.

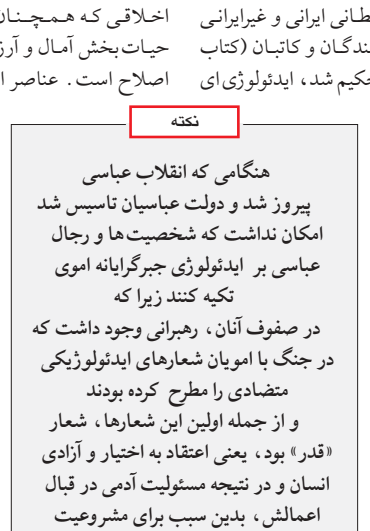

«فقه سیاسی» اما با فاصله‌ای چند قرنه و در دورانی متاخر به صورتی خاص توسط ماوردی پدیدار شد. پیش از ماوردی متکلمان اهل سنت در آثار خود و به منظور رد آرای رافضیان به طرح مباحث تحت عنوان «کلاماً فی الامامه» می‌پرداختند و می‌نوشتند که شیعیان از قبول خلافت ابوبکر و محمد و عثمان خودداری کرده و می‌گفتند که پیامبر پس از خود به خلافت علی بن ابی طالب وصایت کرده است پس متکلمان اهل سنت با استناد به وقایع تاریخی به اثبات صحت خلافت چهار خلیفه اول (ابوبکر، عمر، عثمان و علی) برخاستند و سپس آنچه را در امامت و روش تعیین امام شرط می‌دانستند بر آن وقایع مبتنی کردند... و بدین ترتیب شیوه اجرای امور در زمان خلفای راشدین را به سطح «سوابق» قانونگذاری و تشریع ارتقا دادند و این همه را به منظور رویارویی با باطنیان و رافضیان انجام می‌دادند پس «فقه سیاسی» در حقیقت و ذات خود نوعی تشریع و قانونگذاری برای گذشته حکومت در اسلام و به‌ویژه دوره خلفای راشدین بود و نه تشریعی برای حال و آینده. آری ماوردی تلاش کرد تا در سطح «احکام سلطانیه» یعنی وظایف اداری» از قبیل قضا و غیره لفافه‌ای از مشروعیت را بر حکومت دوره خود بکشد لیکن آن «تشریع» چیزی جز توصیف امر واقع و کوششی برای پوشاندن نوعی لباس شرعی فقهی بر اندام آن نبود. «فقه سیاسی» پس از ماوردی، از طریق یک سلسله عقب نشینی‌ها، از آن شرط‌ها نیز تهی شد تا اینکه کار بدانجا رسید که «پذیرفت که حکومت با شوکت و غلبه هم تشکیل می‌شود» (غزالی و کسانی که پس از وی آمدند) سپس کار به فقها رسید که با ساختن و پرداختن یک «اصل کلی»، «فقه سیاسی» را به طور کامل ملغی کردند، اصلی که می‌گوید: «هرکس نیرومند و زورآور شد اطاعتش واجب است» و «عوام» مردم در مغرب چنین تعبیری از آن اصل دارند: «خداوند یاور فاتحان است.» (الله ینصر من اصبح)

اینها درس‌های سیاسی‌ای است که تجربه تاریخی امت اسلامی عرب در اختیار ما می‌گذارد، درس‌هایی که حاصل سیاست خودکامه (اولاً) پیش از «تبدیل خلافت به سلطنت» (شکاف‌های قانونی‌ای که در اواخر دوره عثمان پدیدار شد: به بحث سابق بنگرید) و (ثانیاً) بعد از تغییر آن به نظامی حکومتی است که مشروعیت خود را از توجیه ایدئولوژیکی و دهش سیاسی و پیش و پس از آن هم، از شوکت و غلبه، می‌گرفت. اما تجربه تاریخی امت عرب و اسلامی تنها سیاست خودکامه نیست بلکه تجربه دیگری هم دارد که ما در اینجا از آن به «اخلاق اسلامی» در حکومت تعبیر می‌کنیم، اخلاقی که همچنان الهام‌بخش اندیشه آزاد و حیات‌بخش آمال و آرزوهای معطوف به دگرگونی و اصلاح است. عناصر اساسی این اخلاق، که باید آن را در عصر پیامبر جست‌وجو کرد، عبارتند از:

۱- شورا: قرآن کریم شورا را در کنار ایمان و توکل به خدا، اجتناب از گناهان و اقامه نماز یکی از خصلت‌های پسندیده و نیک می‌داند و می‌فرماید:

«فما أوتیتم من شیء فمتاع الحیوه الدنیا و ما عندالله خیر و ابقی للذین آمنوا و علی ربهم یتوکلون، والذین یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش، و اذاما غضبوا هم یغفرون، و الذین استجابوا لربهم و اقاموا الصلاه و امرهم شوری بینهم و مما رزقناهم ینفقون والذین اذا اصابهم البغی هم ینتصرون.»

و برای تاکید بر این معنا، ضمن خطاب به پیامبر، شورا را از جمله صفات نیک و پسندیده‌ای می‌داند که رابطه پیامبر با اصحابش باید مبتنی بر آن باشد:

«فبما رحمه من الله لنت لهم و لوکنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفرلهم و شاورهم فی الامر.»

۲- مسئولیت و توزیع آن در پیکر جامعه

اندیشه سیاسی در تمدن‌های شرق باستان، اعم از تمدن‌های فرعونی، بابلی، عبری و ایرانی براساس الگوی راعی/رعیت (چوپان/گله) بود. در این الگو حاکم چوپان و شبان است و مردم گله و رمه. این الگوی سیاسی با الگوی کیهانی تطابق داشت زیرا که «خداوند» نیز مانند حاکم، «چوپان» هستی و بشر «رعیت» او است. اما در اسلام، اسلام عصر نبوت نه اسلام ایدئولوژی سلطانی، مضمون «راعی» معنای دیگری یافت، یعنی همان که در ضمن حدیث مشهور پیامبر آمده است که فرمود: «الا کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته. پس امام یعنی کسی که «راعی» مردم است در قبال «رعیت»اش مسئول است و مرد در برابر خانواده‌اش مسئول رعیت‌اش است و زن راعی و مسئول همسر و فرزندانش است و بنده مسئول اموال سرورش. آری همه شما راعی هستید و همگی‌تان در قبال رعیت‌تان مسئول می‌باشید.» و روشن است که رعایت در اینجا به معنای حفظ امانت و برعهده گرفتن مسئولیت است. و این امانت و مسئولیت به شخص خاصی اختصاص ندارد بلکه در کل کالبد جامعه از بالا تا پایین توزیع شده است. اهمیت سیاسی این اصل در آن است که بالصراحه دلالت بر توزیع مسئولیت دارد و فاقد هرگونه استثنا و استبدادی است.

۳- اما سومین عنصر از عناصر سازنده اخلاق اسلامی در عرصه حکومت و سیاست و سایر شئون دنیا این گفته پیامبر است که فرمود: «و انتم أدری بشوون دنیاکم» (شما به امور دنیای‌تان از من آگاه‌ترید). گفته بالا مربوط به این واقعه است که پیامبر روزی بر سر راه با گروهی مواجه شد که مشغول تلقیح و بارورسازی نخل‌هایشان بودند. از آنها پرسید چه می‌کنید. پاسخ دادند نخل را بارور می‌سازیم تا ثمر دهد. فرمود: این کار را نکنید.

وقتی که آنها تلقیح نخل را رها کردند و نخل خرما نداد نتیجه را به اطلاع پیامبر رساندند. سپس به آنها فرمود: «انتم ادری بشوون دنیاکم» ابوبکر همین موضوع را در خطبه‌ای که پس از بیعت ایراد کرد گفت: «ای مردم، همانا من بر شما ولایت و حکومت یافته‌ام بدون اینکه بهترین شما باشم. پس اگر مرا بر حق یافتید یاری‌ام کنید و اگر با باطل دیدید اصلاحم کنید...»

به نظر ما، این همان مبانی و پایه‌هایی است که «اخلاق اسلامی» در امور حکومت و سیاست بر آن استوار است. در اینجا ما واژه «اخلاق» را بدین سبب به کار می‌بریم که نصوص و متونی که بیانگر این مبانی هستند متونی تشریعی و مربوط به احکام شرعی و فقهی نیستند و یا حداقل اینچنین تصور شده و می‌شود. اخلاق اسلامی همان چیزی است که عرصه اجتهاد در امور حکومت را گسترش می‌دهد و آن را جز به نمونه‌های اعلایی که اسلام بیان داشته، محدود نمی‌کند... و از این رو به روشنی آشکار می‌شود که بازسازی اندیشه سیاسی در اسلام را نباید از رجوع به آرای ماوردی و امثال او، که آرا و اندیشه‌هایی الزام‌آور برای ما نیستند، بلکه نظراتی هستند که شرایط زمانه آنها دیکته کرده است، آغاز کنیم. بازسازی اندیشه سیاسی اسلامی معاصر را باید از بازتاسیس و مبناسازی مبانی سه‌گانه سابق‌الذکر آغاز کرد و این کار باید به صورتی انجام گیرد که پاسخگوی نیازها و مطالبات عصر ما باشد که عبارت است از:

تعیین روش اجرای اصل شورا در چارچوب انتخابات آزاد و دموکراتیک، تحدید مدت حکومت رئیس دولت در نظام جمهوری، همراه با مسئولیت قوه مجریه در برابر پارلمان، چه در نظام جمهوری و چه در نظام سلطنتی، تعیین اختیارات رئیس دولت، حکومت و پارلمان به گونه‌ای که تنها پارلمان منبع قدرت و سلطه باشد. اجرای اصل «شورا» در عصر حاضر بدون پذیرش و عمل به این مبانی ممکن نیست زیرا تنها با این اصول و مبانی است که می‌توان مانع بروز سه شکاف قانونی‌ای شد که در اواخر دوره عثمان پدیدار شد و منجر به «واگشت و تبدیل خلافت به ملوکیت و سلطنت خشن و سرکوبگر» شد (به بحث سابق بنگرید).

بنابراین به نظر در اخلاق اسلامی چیزی وجود ندارد که توجیه‌کننده مخالفت برخی جنبش‌های سیاسی (اسلامی) با دموکراسی جدید باشد. توجیه چنین مخالفت‌هایی به گمان اینکه خلیفه در اسلام می‌تواند با بیعت یک یا چند فرد تعیین شود و یا اینکه مدت ولایت و حکومت خلیفه را نمی‌توان محدود کرد زیرا که عقد بیعت بیشتر شبیه عقد بیع است که قابل رجوع و فسخ نیست و یا اینکه بیعت با خلیفه و حاکم اقتضا دارد که امر حکومت به وی تفویض شود و اختیارات او هم محدود نشود... این گونه توجیهات، هیچ پایه و اساسی نه در نقل و نه در عقل، ندارد و فقط به آرا و نظرات فقیهان سیاست همچون ماوردی و امثال او و بازمی گردد و اینان کسانی هستند که درباره آنها گفتیم که آرا و اندیشه‌هایشان پاسخی به نیازها و شرایط زمانه خود بوده است: به منظور تحکیم امر واقع و حکومتی که حاکمان زمانه آنها، با قدرت و غلبه ساخته بودند.

*** مرکز دراسات الوحده العربیه، بیروت ۲۰۰۴**

گفتار

از زبان‌شناسی...

درآمدی بر زبان و زبان‌شناسی

مهدی پهلوان‌پور

«ما زبان مادری‌مان را طی بخش بزرگی از زندگی‌مان همچون واقعیتی طبیعی می‌پذیریم و آن را به کار می‌گیریم، یا چون به کارش گیرند آن را می‌فهمیم، بی‌آنکه نسبت به آن هرگز خودآگاه باشیم یا درباره آن اظهارنظر کنیم.» این جملات، جملاتی است که با آن کتاب بی‌همتا و منحصر به فرد «تاریخ مختصر زبان‌شناسی» نوشته آر. اچ. روبینز ترجمه علی‌محمد حق‌شناس شروع می‌شود و در ادامه ۵۹۳ صفحه‌ای این کتاب با تاریخ زبان‌شناسی روبه‌رو می‌شویم، با افراد، مکاتب، حلقه‌ها و... که از یونان باستان تا حال حاضر در سراسر دنیا پتانسیل خود را صرف پی بردن به راز و رمزهای زبان کرده‌اند.

هر چند تا به حال تعریفی از زبان ارائه نشده که مورد قبول تمام زبان‌شناسان باشد، ولی هر مکتب زبان‌شناسی تعریفی ارائه داده که در حوزه‌ای و از دیدگاهی که از آن حوزه برمی‌خیزد صحیح است و کاربرد دارد، البته یک‌سری از نظریات همگانی است و تقریباً مورد قبول همه است.

زبان یکی از توانایی‌های عام هر انسانی است و از نگاهی زبان نظام یا سازگانی است که عناصر یا واحدهایش در رابطه متقابل با یکدیگرند.

به عبارتی عناصر و واحدهایش در رابطه متقابل با هم موجودیت خود را به ثبت می‌رسانند و مطالعه آنها بدون در نظر گرفتن عناصر متقابل‌شان امکان‌پذیر نیست. اگر ما معنی واژه‌ای را ندانیم به یک لغت‌نامه مراجعه می‌کنیم و در برابر آن واژه یا واژه‌هایی را می‌بینیم. ارتباط متقابل واژه مبدا و مقصد است که در چرخشی که کل واژه‌ها را در یک زبان دربرمی‌گیرد یک نظام را تشکیل می‌دهد، نظامی که یکی از واحدهای تشکیل‌دهنده زبان است.

و زبان‌شناسی یعنی مطالعه علمی زبان طبیعی بشر به ماهیت زبان و ارتباط می‌پردازد.

و اگر نگاهی به تاریخ این رشته بیندازیم و تاثیرات افراد و هر نوع نگرش را درجه‌بندی کنیم می‌توان به جرات گفت:

تاثیر گذارترین فرد در طول تاریخ این علم فردینان دوسوسور بوده است. وی که نبوغش در این علم پرورش یافته بود، در طول عمر خود سرسختانه به جست‌وجوی قانون‌هایی پرداخت که بتواند اندیشه‌های او را از میان آشفتگی‌های نظریه‌های زبان‌شناسی هدایت کند.

او در سال ۱۹۰۶ بر کرسی استادی دانشگاه ژنو تکیه زد. وی تدریس سه دوره زبان‌شناسی همگانی را بین سال‌های ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۱ به عهده گرفت ولی هرگز کتابی منتشر نکرد. بعد از مرگ وی دو تن از همکارانش به نام‌های شارل بالی و آلبرسه شیه به از دست‌نوشته‌های او که به وسیله همسرش جمع‌آوری شد و جزوه‌های شاگردانش دوره زبان‌شناسی عمومی سوسور را به چاپ رساندند. بعد از چاپ این کتاب دامنه نفوذ او در زبان‌شناسی به مراتب بیشتر از نفوذ و تاثیر هر کسی دیگر شد تا جایی که به جرات می‌توان گفت زبان‌شناسی قرن بیستم را خود او آغاز کرده است و در حوزه زبان‌شناسی انقلابی کپرنیکی پدید آورده.

دوره زبان‌شناسی عمومی سوسور را دکتر کورش صفوی به فارسی برگردانده و انتشارات هرمس افتخار چاپ آن را دارد. این کتاب شامل مباحثی مثل نگرش همزمانی و درزمانی، همنشینی و جانشینی، دال و مدلول و... است. دوره زبان‌شناسی عمومی سوسور تا حال حاضر بسیاری از نظریات معتبر زبان‌شناسی را بر تنه خود چون شاخه‌ای رویانده و می‌رویاند.

منابع:

۱- آر. اچ. روبینز، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ترجمه علی‌محمد حق‌شناس، تهران، مرکز.
۲- فردینان دوسوسور، دوره زبان‌شناسی عمومی، ترجمه کورش صفوی، تهران، هرمس.
۳- کورش صفوی، از زبان‌شناسی به ادبیات جلد۲، تهران، سوره مهر

خبر

زیبایی‌شناسی قرآن و هنرها

شرق: دومین نشست علمی- پژوهشی «زیبایی‌شناسی قرآن مجید، زیبایی‌شناسی هنرها» هفته آینده در سازمان ارتباطات اسلامی در تهران برگزار می‌شود. در این نشست که در تداوم سلسله نشست‌های مرکز مطالعات هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار می‌شود، گروهی از اندیشمندان، صاحب‌نظران و استادان قرآن‌پژوه چکیده‌ای از پژوهش‌ها و یافته‌های خود را در حوزه زیبایی‌شناسی قرآن مجید، زیبایی‌شناسی پیامبر خاتم(ص)، زیبایی‌شناسی پیامبران(ع) و زیبایی‌شناسی هنرها ارائه خواهند داد. نخستین نشست علمی- پژوهشی زیبایی‌شناسی قرآن با هدف پیشبرد برنامه‌های توسعه هنر و زیبایی‌شناسی -به ویژه مولفه‌های زیبایی‌شناسی دین- اسفندماه گذشته در قم برگزار شد و دومین نشست نیز با همکاری سازمان ارتباطات اسلامی روز چهارشنبه ۳۱ خردادماه جاری در محل سازمان، واقع در بزرگراه همت، در شمالی مصلای امام خمینی(ره)، بین پل قدر و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، مجتمع امام خمینی (ره)، حسینیه الزهرا(س) برگزار خواهد شد.